

روند تحولات نغار در معماری بومی مازندران*

زهرا رفیعی**

چکیده

در منطقه شمال ایران با توجه به فرهنگ و شرایط خاص آب و هوایی این ناحیه که تا حدی با سایر نواحی ایران تفاوت دارد، در طول زمان، معماری خاصی شکل گرفته که برخاسته از فرهنگ برون‌گرا با ریشه‌های ایرانی و اسلامی بوده است. سقانفار، نوعی نغار است که به نام حضرت ابوالفضل، ساقی لب تشنگان کربلا بنا شده است. مبحث اصلی این مقاله با توجه به پژوهش‌های میدانی مطالعه و شناخت نغارها و سیر تکاملی آن به سقانفار، و شناخت معماری بومی مازندران و انعکاس اعتقادات و باورهای آیینی و مذهبی مردمان بومی مازندران در معماری سقانفارها و تکایا به دنبال آن در آداب و رسوم ماه محرم است. این گونه معماری توسط روستاییان ابداع و کامل شد و توسط آنها نیز مراقبت و حفاظت شده و می‌شود. معماری سقانفارها، جزیی از معماری بومی و روستایی این منطقه محسوب می‌شود و تنها گونه معماری است که برای یک شخص «حضرت ابوالفضل» ساخته شده و در جهت حفاظت و پاسداری از فرهنگ ارزشمند «عاشورا» رواج یافته است. فرضیه مقاله این است که سقانفارها، حلقه‌ای از تاریخ معماری ایران است که به دلیل عدم مطالعات و پژوهش‌های مناسب و کامل مغفول مانده‌اند. این مقاله سعی دارد با شناخت این نوع بناها و کشف ریشه‌های معماری آنها، بتواند کمکی باشد در راستای شناخت اصالت‌های بومی و استفاده از آنها در بازپیرایی معماری معاصر از آفت‌هایی که از جوانب مختلف بدان وارد می‌شود.

واژگان کلیدی

نغار، سقانفار، تکیه، امام حسین، حضرت ابوالفضل، مازندران، بومی.

*. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان «معماری: طراحی مرکز نمایش‌های آئینی در بابل با رویکرد به سقانفار» است که به راهنمایی آقای دکتر نقی‌زاده و خانم دکتر امین‌زاده نگاشته شده است.

** کارشناس ارشد معماری. مدرس مؤسسه آموزش عالی طبری، بابل، ایران. شماره تماس: ۰۹۱۱-۲۱۳۷۴۷۸

Rafieezahra@gmail.com

مقدمه

معماری از جمله هنرهای کهن بشری است که شاید بیش از هر هنر دیگری خود را با عناصر بومی و منطقه‌ای هماهنگ ساخته است. از این رو در هر گوشه از این کره خاکی که پا می‌نهییم با بناهایی روبه رو می‌شویم که هریک متناسب با اقلیم آن منطقه ساخته شده‌اند. اما نکته جالب توجه آن است که آنچه معماری هر منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تنها شرایط اقلیمی نیست، بلکه آداب و رسوم و باورها و اعتقادات خاص هر منطقه نیز بر معماری آن تأثیر بسیار دارند و در این میان، تأثیر اعتقادات دینی و مذهبی غیرقابل انکار است، به ویژه آنکه در عبادتگاه‌ها و اماکنی که بشر برای انجام فرایض دینی ساخته، شکل و ساختار بنا به نوعی با آداب و اعتقادات آن دین و مذهب هماهنگی دارد. سقنفاها نمونه‌ای از معماری بومی و شاخص هویت فرهنگ و تاریخ مازندران به‌شمار می‌روند.

شناخت معماری بومی

• معماری بومی

"اولین باری که نامی بر این پدیده معماری نهاده شد معماری خودجوش به ابداع پاکونه بود. در اینجا منظور از خودجوش معنای تصادفی بودن آن نیست، بلکه طبیعی بودن آن است" [آلپاگونوولو و دیگران، ۱۳۸۴ : ۲۵]. در معماری بومی، علاوه بر طبیعت و بوم، مؤلفه دیگری به‌نام فرهنگ نیز در طول تاریخ تأثیرات بسیاری بر ساختار معماری گذاشته است. در واقع این در نفس معماری بومی است که دو گونه پیوند اساسی را محترم بدارد : پیوند با محیط فرهنگی یا با سلسله ارزش‌های فرهنگی - با سلسله رفتارهای فرهنگی و قوانینی که در آن جاری است - از یکسو و از سوی دیگر پیوند با محیط طبیعی، یا با مجموعه داده‌هایی که سرزمین بنا به انسان عرضه می‌دارد : "داده‌هایی که هم ابزار فکری‌اند و هم ابزار کاربردی؛ هم رنگ و اندازه و تناسب را در بر می‌گیرند و هم مصالح، اجزاء و عناصر ساختمانی" [همان : ۱۹]

• ویژگی خاص معماری بومی

خصوصیت نخست، ناشناس بودن سازندگان آن است (هرچند تنها دانستن نام سازنده برای درک ارزش اثر کافی نیست) خصوصیت دیگر بی‌نیازی به دانستن تاریخ تولد اثر است که دانستن آن غالباً موجب گمراهی و توهم می‌شود [همان : ۲۶].

• عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری بومی

۱. فرهنگ : اعتقادات، باورها، آیین‌ها، دین و مذهب.

۲. طبیعت : اقلیم و جغرافیا.

۳. اقتصاد : تأمین معیشت و انواع آن.

۴. اجتماع : ساختار قبیله‌ای، طایفه‌ای و همگن و ناهمگن بودن اجتماع.

مطالعه، شناخت و پژوهش معماری نفاها

• وجه تسمیه و واژه‌شناسی

اگر ریشه فارسی لغت نفار، کلمه نفر باشد و مشابه لغت نفار، کلمه نفور باشد که با ساختار معماری این سازه هماهنگی و همخوانی دارد، رسیدن به ریشه کلمه آنچنان سخت نخواهد بود. در اینجا واژه نفار، نفور، نفر، نفیر، نپار را در فرهنگ‌های فارسی، کتاب، مجلات مورد بررسی قرار می‌دهیم :

نفور : رمنده، گریزنده. (غیاث) (م) - "در سیاست نه چندان مبالغت باید نمود که مردم هراسان و نفور شوند" [رامپوری، ۱۳۶۳ : ۳۰۵].

نفار - ص. [ع] (ن) رمیدن، دور شدن

نفر - ۱. [ع] (ن) رمیدن، دور شدن، بیرون رفتن. و نیز بعضی روان شدن حجاج از منی به سوی مکه.

نفور - مص. [ع] (ن) رمیدن، بیرون رفتن، دور شدن، و نیز بعضی روان شدن حجاج از منی به سوی مکه [نصری اشرفی، ۱۳۸۱ : ۱۹۱۳-۱۹۱۲].

نفیر - ا. (ن) بوق، شیپور به معنی ناله و زاری و فریاد نیز گفته شده نپور هم گفته‌اند. در عربی نیز به معنی شیپور می‌گویند و جمع آن انفار است [عمید، ۱۳۶۴ : ۶۰۶].

با توجه به واژه‌شناسی فوق می‌توان عنوان کرد که واژه نفار به عنوان مکانی برای ماندن است.

نفار به عنوان یک گونه معماری در فرهنگ لغات فارسی و طبری و کتاب‌ها به صورت زیر معنا و شرح داده شده است :

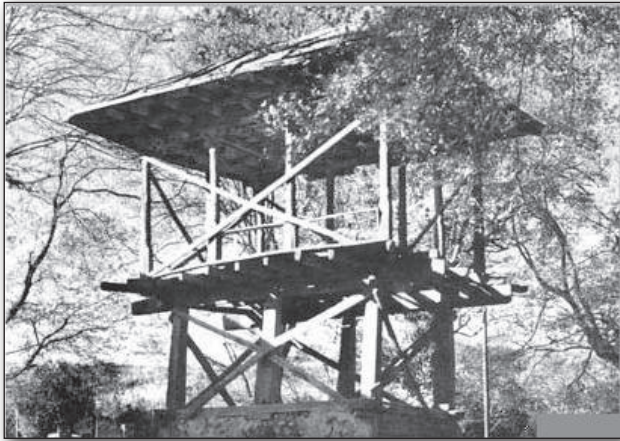
نفار/ (۱) : اتاقک درختی - کومه‌ای با پایه بلند - پناهگاه چوبی که در مزرعه سازند [نک به باغ نفار در نصری اشرفی، ۱۳۸۵ : ۱۹۶۷]. نپار [ن] . (واژه مازندرانی). کوتاه. کوتی. نفار.

سایبان یا خانه چوبی بلندتر از زمین که گاه دو اشکوبه ساخته شده و در تابستان به کار می‌رود [رفیعی سرشکی، ۱۳۸۲ : ۴۲۷].

نپار : ساختمانی تک اطاقی است که در ارتفاع چند متری از زمین قرار می‌گیرد و اطراف باز اطاقی، این امکان را به مردم می‌دهد که از تهویه کافی و وزیدن نسیم در تابستان از تمامی جهات برخوردار شوند. در سنسکریت، واژه نه پار^۲ به معنای تک و بدون دیگری است. [کولائیان، ۱۳۸۵ : ۱۰]

نفار : در داخل حیاط، جایگاه چوبی مسقف و نسبتاً مرتفعی ساخته می‌شد که از چهارطرف باز بود و نفار نامیده می‌شد. نفار، محلی برای استراحت ساکنان در فصل تابستان بود [گروه مؤلفان، ۱۳۷۹ : ۱۱۳].

نفار^۳ یا نپار^۴ : در حیاط بعضی از خانه‌ها، با چوب و گل و ساقه‌های برنج، بنایی به نام نفار به صورت دو طبقه می‌سازند. از طبقه اول نفار برای انبار علوفه و یا غلات و از طبقه دوم آن برای استراحت و خنک شدن در فصل تابستان استفاده می‌شود [وفایی، ۱۳۸۱ : ۹۴]. نفار یا نپار گونه‌ای از سازه‌های بومی منطقه مازندران است که به صورت تابستان‌نشین بوده و کاربرد سردخانه دارد. این سازه، ساختاری کاملاً چوبی دارد و بر حسب نوع کاربری به چند نوع



تصویر ۱. شکل اصیل نفار. مأخذ: رحیمزاده، ۱۳۷۳.

Fig1. Traditional shape of "Nefar". Source: Rahimzade, 1993.

اسلامی رسوخ کرده که ریشه‌های قدیمی و اصیل آن در غبار ایام گم شده و برخی نیز به فراموشی سپرده شده است. امروز در گوشه و کنار ایران آیین‌های باران‌خواهی و گرامی‌داشت آب به شکل‌های گوناگون در اماکن مقدس برپا می‌شود که بیشتر در جوار چشمه، رودخانه و درختان کهن و بناهای مقدس در ارتباط با آنها بوده و نشانه‌ها و یادگارهایی از گذشته‌های دور را به همراه دارد. باشد که با زنده نگه داشتن این رسوم و باورها بکوشیم تا غبار خرافات از آن زدوده و به حقایق و رموز آن دست یابیم [جوادی، ۱۳۸۶: ۲۰]. زمانی برای اناهیتا معابد زیبا و باشکوه ساخته می‌شد، همچون معبد اناهیتا در بیشاپور که نیایشگاه سلطنتی بوده. اما مردم نیز برای خود اماکنی یا بناهای مقدسی داشتند که اناهیتا را می‌ستودند و به او متوسل می‌شدند. معابدی برای ایزدبانو بر پا می‌کردند مانند آنچه امروز به نام سقاتالارها مشهور است؛ اتاق‌هایی با سقف و ستون چوبی یا با مصالح دیگر که بیشتر در کنار مزارع بوده و مردم برای طلب باران و فراوانی محصول در آنجا به نذر و نیاز می‌پرداختند و متوسل به ایزدبانو اناهیتا می‌شدند. این نیایشگاه‌ها امروز به سقای دشت کربلا - حضرت عباس - منسوب شده و به ویژه در شهرها و روستاهای شمال ایران فراوان است. آنچه مسلم است و از شواهد بجای مانده بر می‌آید، نشان می‌دهد که این نیایشگاه‌ها در ارتباط با چشمه و درخت هستند [همان: ۱۳].

سقانفارها حکایت از باورهای مردم به ایزدبانوی آب‌ها می‌کند. گرچه در دوران اسلامی عملکردی دیگر دارد، اما نقش و نگارها و تزییناتی که بر معماری ستوندار این سقاتالارها به چشم می‌خورد و آداب و آیین‌هایی که تا امروز در آنها جریان دارد، یادگارهایی از گذشته‌های دور است [جوادی، ۱۳۸۸: ۲۰].

اگر آنچه را که باستان‌شناسان و پژوهندگان حدس می‌زدند که در دوره باستان در این سرزمین (مازندران) آیین مهر و اناهیتا بوده، پس می‌توان به امر نگهبانی و نگهداری از آب نیز واقف بود [یزدان‌پناه لموکی، ۱۳۸۵: ۵۸-۴۸]. پس در پیوند آب و معماری، می‌توان در دوره باستانی، نفارهای این منطقه را محلی برای نیایش آب دانست.

تقسیم می‌شود.

کاربرد اصیل نفار یا نیار برای نگهداری از زمین‌های کشاورزی به خصوص شالیزارهای منطقه مازندران است. در گذشته و حتی در زمان حال، در برخی از نقاط مازندران به واسطه همجواری زمین‌های کشاورزی با جنگل‌ها و مراتع و وجود حیوانات غیر اهلی در منطقه، شاهد هجوم حیوانات به شالیزارها هستیم. به همین دلیل با ساخت نفار و استقرار در آن و ایجاد سر و صدا با دهان و وسایل جانبی مانند چوب و پیت حلبی در عصر حاضر و احتمالاً چوب و طبل‌های کوچک به ماندن و دور کردن حیوانات اقدام می‌کردند. یکی دیگر از کاربردهای اصیل نفار، نگهداری از آب نهرهای جاری در شالیزارها است؛ به طوری که هم آب به طور صحیح به زمین کشاورزی برسد و هم کسی به واسطه خصومت یا نیاز، از حد خود پا فراتر نگذارد و اقدام به تغییر مسیر آب نهر و سرازیری آب به زمین خود نکند.

این نوع نفارها اصیل‌ترین نوع نفار هستند که ریشه در دل تاریخ دارند و به احتمال زیاد انواع دیگر نفارها، از این نوع نفار، منشعب شده است (تصویر ۱).

• روند شکل‌گیری نفارها

در باب چگونگی پیدایش نفارها، منابع و اسنادی وجود ندارد که ما را در این امر رهنمون سازد. متأسفانه، به دلیل نوع معماری - معماری بومی - و کمبود منابع مکتوب و غیر مکتوب نمی‌توان به طور دقیق راجع به پیدایش نفارها، قضاوت کرد. اما آنچه را که می‌توان به عنوان یک سند و مدرک ارایه داد، وابستگی این نوع معماری با دو عنصر بسیار مهم: (۱) آیین و مذهب (نیایش - آب) و (۲) اقتصاد (کشاورزی - برنج) است. نگرش معماری و کاربری این سازه برای نگهبانی و نگهداری از این دو عنصر از ویژگی‌های شاخص و بسیار مهم به حساب می‌آید.^۵

• آیین و مذهب (نیایش - آب)

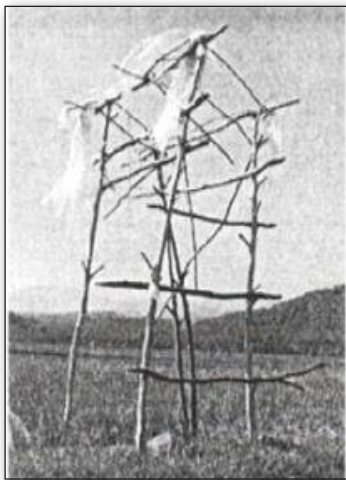
آب، مایع حیات است و به عنوان یک جزء مهم در تشکیل تمدن‌ها و شکل‌گیری سکونتگاه‌ها در طول تاریخ تأثیر بسزایی داشته است. این مایع به واسطه، مایع حیات بودن و مظهر پاکیزگی و رویش، مقدس است. در خصوص اهمیت این موضوع، مطالب بسیاری وجود دارد، اما مطلب مهم، نگرش باستانی ایرانیان به آب است [عالیخانی، ۱۳۸۴: ۱۷] که در آیین‌های مهر و اناهیتا و کیش زرتشت دیده می‌شود. به خصوص نیایش آب در آیین پرستش اناهیتا سابقه دیرین دارد که خود پیوند با آب و باران دارند.

بسیاری از مکان‌های مقدس که امروز در کنار آب‌ها واقع شده‌اند یا روزگاری چشمه و درختی مقدس در آنجا وجود داشته است، یادگاری از باورهای کهن مبتنی بر طبیعت‌گرایی است که ریشه در اعتقاد به ایزدان مهر و اناهیتا دارد. تقدیس و نیایش ایزدبانوی آب‌ها که حاصلخیزی، نعمت و فراوانی از آن اوست چنان در آداب و سنن

مطالعه، شناخت و پژوهش معماری سقائفارها
• **واژه‌شناسی**

سقائفارها، در گویش‌های محلی مازندران بر حسب منطقه به نام‌های سقائفار، ساقی نفار، ساق نفار، ساق نفار، سقائفار خوانده می‌شوند. این لغت از دو کلمه سقاء (عربی) یا ساقی (فارسی) و نفار (فارسی) یا نیار (طبری) که نیار لغتی قدیمی‌تر است و همان‌طور که در فصل قبل آمده، به زبان‌های سنسکریت بر می‌گردد، تشکیل شده است. واژه‌های سقاء، ساقی، نفار، نیار در فرهنگ لغات فارسی و طبری به شرح زیر آمده است:

ساقی- ا. فا [ع] (ق) آب‌دهنده، کسی که آب یا شراب به دیگری می‌دهد. آنکه در مجلس باده‌گساری ماده در ساغر بریزد و به دست باده‌نوشان بدهد. در اصطلاح صوفیه و سالکان: مرشد و پیر کامل که به مریدان فیض برساند [نصری اشرفی، ۱۳۸۱: ۱۱۴۹].
سقاء- ص. [ع] (س ق) آب‌دهنده، کسی که آب به خانه‌ها می‌برد، آبکش، آبکار سقاخانه- ا. مد [ع. فا] (سَق) ظرف بزرگ یا منبع که در محل بسازند و آب در آن بریزند تا مردم تشنه در آنجا آب بیاشامند [همان: ۱۲۱۱].



تصویر ۲. نمونه‌ای از دشتی نفار. مأخذ: پیرزاد، ۱۳۸۷.

Fig 2. Exampel from "Dashti Nefar". Source: Pirzad, 2009.



تصویر ۳. سقائفار به مثابه ورودی. مأخذ: آرشیو نگارنده.

Fig 3. Saghanefar: as an entrance. Source: author archive.

به خصوص که آب‌های مجتمع مانند آبگیر، تالاب و ... در این منطقه فراوان است.

بدیهی است که تمامی تمدن‌ها و فرهنگ‌های بزرگ بشری یک‌باره خلق نشده و در مدتی طولانی و طی مسیری پریپیچ و خم شکل گرفته و به تکامل رسیده است، در همان حال فرهنگ، تمدن قبلی را پالایش کرده و با تفکر جدید هماهنگ ساخته است. بسیاری از اماکن مذهبی گذشته پس از اسلام حفظ شده، اما محتوا و گاه شکل عبادت و نیایش در آنها تغییر کرده است [جوادی، ۱۳۸۸: ۲۳].

پس می‌توان فرض نهاد که با توجه به دلایل فوق، ساخت نفارها به عنوان یک گونه معماری در پیوند با آیین مهر و آناهیتا و زرتشت در پیش از اسلام و دوره باستان وجود داشته است و با ورود اسلام، حضور این گونه معماری تغییر داده شده است.

• **اقتصاد (کشاورزی- برنج)**

عنصر دیگر که در رابطه مستقیم با آب نیست اما دلیل بسیار مهمی در پیدایش نیارها است، کشاورزی (برنج) است. همان‌طور که عنوان شد، نیار به عنوان محل نگهداری از شالیزارها است که می‌تواند به شکل نگهداری از آب شالیزارها و یا نگهداری شالیزارها از هجوم حیوانات وحشی باشد. تاریخ کاشت برنج با توجه به تحقیقات انجام شده در منطقه مازندران به پیش از اسلام می‌رسد [وولف، ۱۳۷۲: ۲۸۸-۲۸۷].

پس اگر نیار را جزو لاینفک فضای شالیزارها بدانیم، با توجه به مستندات فوق می‌توان حضور نیار را به عنوان یک گونه معماری بومی که به جریان خاصی مثل کشاورزی وابسته بوده را به پیش از اسلام و اوایل اسلام نسبت دهیم.

با اطمینان، فعالیت‌های باستان‌شناسی مناسب و فراگیر در منطقه، می‌تواند بر صحت و سقم مطالب فوق حتی به صورت نسبی تأثیر به سزایی داشته باشد.

انواع نفار

نفار بر حسب مکان استقرار و نوع کاربرد به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. دشتی نفار: در جایگاه نگهداری زمین کشاورزی (تصویر ۲)

۲. باغ نفار: در جایگاه نگهداری باغ

۳. خانه نفار: در جایگاه نگهداری انسان

۴. سقائفار: در جایگاه نگاهداری مذهب

مهم‌ترین، شاخص‌ترین و ارزشمندترین نوع نفار، سقائفارها است. به غیر از دسته‌های فوق، نوعی از نفارها با گونه سقائفار وجود دارد که در ورودی‌ها به عنوان سردر استفاده می‌شود؛ تلفیقی از سقائفار و سردر (سقائفار به مثابه سردر). این گونه، زیرمجموعه سقائفارها قرار می‌گیرد [پیرزاد، ۱۳۸۷: ۲۶]؛ (تصویر ۳).

شده است. ریشه و رواج ساخت سقنارفارها را می‌توان از دوره‌هایی که حکومت‌هایی مبتنی بر دین اسلام با تأکید به مذهب شیعه در این مرز و بوم (استان مازندران) وجود داشت پیگیری کرد. این دوره‌ها به شرح زیر است:

۱. دوره سادات علوی (علویان)- آل بویه
۲. دوره سادات مرعشی (مرعشیات)
۳. دوره صفوی
۴. دوره قاجار

مازندران در دوره صفویه بنا به دلایل سیاسی و مذهبی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد و با توجه به رسمی شدن مذهب شیعه جایگاه و پایگاه مردمی سادات و شیعیان زیاد می‌شود. از این دوره است که مراسم سالانه جان باختن امام حسین (ع)، که نمایش تعزیه از دل آن پدید آمد، مورد حمایت دربار واقع شد. در همین دوره است که شهرهای بابل، ساری، بهشهر بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند و بناهای به جای مانده و یاد شده از آن دوره مصداق این امر است (تصویر ۴).

از سقنارفارهای دوره صفویه اطلاع دقیق در دسترس نیست. لازم به ذکر است که سقنارفارها به دلیل اینکه از مصالح چوبی ساخته می‌شدند، چه بسا در طول سالیان فرسوده شده و از بین رفته‌اند.

۵۹/۳۲

دوره‌شناسی سقنارفارها

۱. دوره شروع: مرعشیان و دوره صفویه
۲. دوره اوج: قاجاریه
۳. دوره انحطاط: پهلوی دوم و عصر حاضر

رابطه سقنارفار با اعتقادات مردم

با توجه به شواهد موجود می‌توان به یک رابطه قوی بین اعتقاد مردم و سقنارفار یعنی رابطه قوی شفابخشی سقنارفارها پی برد. با بستن پارچه سبز روی سقنارفارها شروع محرم را اعلام می‌کنند (تصویر ۵). در منطقه مازندران اعتقادات و باورهای خاصی نسبت به تکیه و سقنارفار وجود دارد. در این منطقه طی یک باور محلی، تکیه نمادی از امام حسین (ع) و سقنارفار نمادی از حضرت ابوالفضل (ع) است. اعتقادات بومی و آیینی با هم بودن امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) در تمامی مراحل زندگی به خصوص روز عاشورا و پاسداری حضرت ابوالفضل (ع) از امام حسین (ع) بوده است. نمود این اعتقاد و باور ساخت تکیه با سقنارفار به صورت یک رکن معماری مذهبی منطقه و ساخت سقنارفار در روبروی تکیه به منظور پاسداری است (تصویر ۶). این تنها گونه معماری است که برای یک شخص- حضرت ابوالفضل- ساخته شده است و در جهت حفاظت و پاسداری از فرهنگ ارزشمند «عاشورا» رواج یافته است. بر حسب اعتقاد، نگهبانی و نگهداری بناهای مذهبی همچون سقنارفارها که خود گونه معماری نگهبانی از میراث معنوی ما است، یک وظیفه خطیر و در عین حال پر زحمت برای این مردمان به‌شمار می‌رود.

در کتاب فرهنگ واژگان طبری، نفار و نپار را همراه با ساق نفار و سقنارفار آورده است: سقنارفار^۷ نک: ساق نفار^۸.

نپار یا نفار بنای دو طبقه چوبی که طبقه اول آن باز و بدون حصار بوده و طبقه دوم آن به عنوان اتاقی بزرگ مورد استفاده قرار می‌گرفت. ساق نفار بعداً با عنوان سقنارفار مورد استفاده در گردهمایی، آیین‌ها و مراسم مذهبی قرار گرفت [همان: ۱۳۱۵]. سقنارفار به عنوان مرکزی برای گردهمایی، آیین‌ها و مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت. سقنارفار ترکیبی از دو کلمه سقاء و نفار است. با توجه به تشریح لغات در فرهنگ لغات اشاره شده، کلمه سقا و ساقی هر دو یک معنی (آب دهنده) را در برمی‌گیرد و نفار و نپار هم دارای یک معنی (سازه چوبی دو طبقه‌ای چهار طرف باز) است. نکته قابل توجه در این مورد، قرارگیری پیشوند خصوصی (سقاء) برای این نوع بنا است که اشاره به حضرت ابوالفضل (ع) دارد. همان‌طور که می‌دانیم این شخص بزرگوار، ساقی دشت کربلا بوده است.

نکته دیگر، قرارگیری پسوند مکانی برای این نوع بنا است. نفار یا نپار که اشاره مستقیم به گونه‌ای از سازه‌های چوبی منطقه مازندران دارد، برای نگهبانی و نگهداری از آب و زمین ساخته می‌شود. موقعیت سقنارفارها در مجموعه‌های مذهبی شامل مسجد، تکیه و میدان است. این امر به صورت دقیق‌تر در فضای روبروی تکیه، جزء لاینفک قرارگیری سقنارفارها است. (ما سقنارفارهایی داریم که در مجموعه‌هایی بدون حضور مسجد ساخته شده‌اند. اما بدون حضور تکیه این اتفاق نیفتاده است که خود ناشی از فلسفه خاص مذهبی رایج در منطقه است). این گونه معماری از آنجایی که دارای ساختاری کاملاً چوبی است. می‌تواند نماینده بسیار خوبی برای گونه معماری چوبی در کل منطقه ایران باشد. این نوع نفار، مهم‌ترین، شکیل‌ترین، معمارانه‌ترین و زیباترین نوع نفار است. در روستاها خصوصاً چون ارتفاع آن حتی از ارتفاع مسجد و تکیه نیز بیشتر است به عنوان «مأذن و نشانه» عمل می‌کند.

روند شکل‌گیری سقنارفارها

سقنارفارها گونه‌ای از معماری بومی است که مراسم آیینی منطقه مازندران در آن اجرا می‌شود و تحت تأثیر اقلیم و جغرافیا با توجه به نیازهای اقتصادی و کشاورزی و... زاده شده و تحت تأثیر فرهنگ و مذهب به گونه‌ای دیگر (سقنارفار) درآمد است. معماری این ساختمان‌ها از عوامل متعددی همچون سوابق ملی و تاریخی، شرایط اقلیمی، باورهای مذهبی و آیین‌های خاص متأثر و به شکل حاضر در آمده است.

معماری بومی تحت اثر جغرافیا و اقلیم مازندران ← نفار

تأثیر دین اسلام و مذهب شیعه بر گونه معماری بومی ← سقنارفار

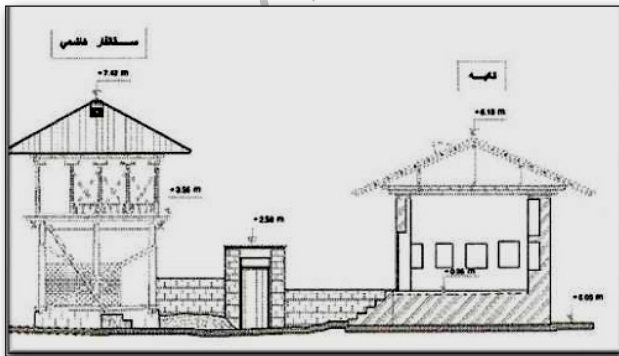
با توجه به بررسی‌های انجام شده، سقنارفارها محصول دوره‌ای هستند که جنب و جوش سیاسی و مذهبی بر منطقه مازندران وارد



تصویر ۴. محدوده قرارگیری سقانهفارها در منطقه مازندران. مأخذ: پیرزاد، ۱۳۸۷.
Fig 4. The location of the Saghanehfar in the region of Mazandaran. Source: Pirzad, 2009.



تصویر ۵. سقانهفار شیاده بابل، پارچه سبز نشان دهنده شروع ماه محرم. مأخذ: آرشیو نگارنده.
Fig5. “Shyade Saghanehfar” – babol. Source: author archive.



تصویر ۶. مقطع از تکیه و سقانهفار در یک مجموعه. مأخذ: پیرزاد، ۱۳۸۷.
Fig6. Section of “Tekyeh and Saghanehfar” in the collection. Source: Pirzad, 2009.

حضرت ابوالفضل، ساقی و سقای تشنه لبان، یک منجی بود. از این رو همیشه به عنوان یک شخصیت مذهبی بزرگ همواره مورد توجه بوده است. سقانهفار، جزء معدود بناهایی است که به یک شخصیت ارتباط دارد و حتی با نام او خوانده می شود.
مسجد خدا | تکیه امام حسین (ع) | سقانهفار | حضرت ابوالفضل (ع)
پرستش سوگواری سوگواری سوگواری

جمله‌های هنر و زیبایی در سقانهفارها

هنرمند بومی با توجه به فراوانی چوب در مازندران، این ماده را به عنوان اساس و پایه کار خویش انتخاب کرده و بر روی آن از عمق جان و صمیمیت دل با کنده‌کاری‌ها و نقوش باشکوه، چنان نقش و طرحی آفریده، که هر زبانی را به ستایش خویش برمی‌انگیزد. «سقانهفار»، این بنای آئینی که در روستاهای مازندران هنوز هم نیمه جانی در تن مجروح خود دارد، مکانی است مناسب برای خلق آثار هنری عامیانه، آثاری که از سر تواضع و صداقت هرچه تمام‌تر با زبان قلم و رنگ بیان شده است، بی آنکه خود را در قالب خاصی از مکاتب هنری قرار دهد و یا حتی از سبک و سیاق خاصی پیروی کند. این آثار هنری در سقانهفارها، تعادل، تناسب، تقارن و ترکیب‌بندی از اصول و قواعد آکادمیک هنری پیروی نمی‌کند. هنرمندان بومی منطقه مازندران برای برقراری این تعادل و تناسب نخست، به نوع کاربرد بنا توجه داشته‌اند. نقاشی‌های عامیانه سقانهفار به دور از هرگونه قید و بند هستند. نقاشان این آثار آنچه را که در اطرافشان رخ می‌داد به تصویر می‌کشیدند. آنها در قید و بند جزئیات موضوع نبودند و بیشتر به اصل موضوع توجه داشتند. استفاده از رنگ‌های اصلی و پرهیز از سایه روشن و نبود پرسپکتیو در کارشان از ویژگی‌های عمده نقاشی‌های عامیانه سقانهفار است. ناگفته نماند که ساخت سقانهفار منحصر به ایران نبوده و در کشورهای چین تا هند اشکال گوناگونی از این سازه‌های چوبی در جوار مساجد مشاهده می‌شود، اما آشکار است که در ایران تنها در منطقه حاشیه دریای مازندران و عمدتاً در مازندران دارای این گونه آثار هستیم [برای اطلاع بیشتر نک به: بزرگ‌نیا، ۱۳۸۲: ۹۹-۹۰].
نگاه مردم مازندران به طبیعت همواره نگاهی آکنده از احترام بوده، به گونه‌ای که هیچ‌گاه به عرض اندام در برابر آن همت نگماشته، بلکه با همگون‌سازی ساخته‌های خویش با محیط پیرامون، زیباترین ترکیبات ممکن را در دل طبیعت جستجو کرده است. سقانهفار با بار فرهنگی بسیار غنی و بهره‌گیری از سنت‌ها و آداب و عقاید مردم مازندران، روایت‌گر گوشه‌ای از فرهنگ بومی و ملی جامعه کشاورزی این استان است. بناهای مذکور، بازتاب زندگی ساده کشاورزی و دامداری مردم عادی منطقه است. اما آنچه که این بنا را جزو نادرترین بناها کرده، ترکیب مجموعه هنرهای معماری، نقاشی، خطاطی و منبت‌کاری در آنهاست که در کنار هم شکلی واحد، بدیع و منسجمی را به وجود آورده است (تصاویر ۷ تا ۱۰).



تصاویر ۷ و ۸، سقانهفار شیاده بابل. مأخذ: آرشیو نگارنده.

Fig 7& 8. "Shyade Saghanefar", Babol. Source: author archive.



تصاویر ۹ و ۱۰، سقانهفار بیسه سر قائمشهر. مأخذ: آرشیو نگارنده.

Fig 9&10. "Bishe sar Saghanefar", Gjaemshahr. Source: author archive.

نتیجه گیری

سقانهفارها ریشه در گونه‌ای از معماری بومی منطقه مازندران به نام نفارها دارند که با تأثیر از مذهب شیعه تبدیل به معماری آیینی و مذهبی شدند. اگرچه این امکان وجود دارد که نفارها نیز یک گونه معماری آیینی در دوره باستان باشند، اما در شرایط موجود، آیینی بودن معماری نفارها نیاز به کنکاش و پژوهش بیشتری دارد. سقانهفار، بنایی آیینی است که در فضا و مکانی مقدس شکل گرفته است. همه سقانهفارها بدون استثنا در کنار آب برپا شده‌اند. آب از قداست و حرمتی ویژه بین مردم برخوردار بوده و عنصر حیاتی به شمار می‌رفته است. حتی ریشه‌یابی این واژه نیز دلیل برایین مدعاست. علاوه بر این شکل اولیه این بنای مقدس همان نفارهایی است که در مزارع کشاورزان و عموماً بر روی آب و برای حفاظت از مزارع برپا شده‌اند. سقانهفارها در تمامی ساختار خود نشان از باورهای عامیانه و اعتقادات مذهبی دارد. این گونه معماری غیر از ساختار، در برگیرنده فرهنگ شفاهی مردمانی می‌باشد که همیشه در بستر تاریخ سیاسی و مذهبی نسبت به تعاملات دینی و مذهبی بی تفاوت نبوده‌اند.

سخن آخر اینکه سقانهفارها به منزله کانون و مرکز فرهنگی و آیینی، حامل و شامل میراثی دیرپاست. در این مرکز آیینی و فرهنگی که بی‌تردید تنها منحصر و مختص به جغرافیا و فرهنگی خاص نیست، می‌توان یادگارهای حماسی، اساطیری، سنتی، آیینی، ادبی و هنری ملتی را به تماشا و نظاره نشست که دارای روحی مشترک و کیش و مذهب و آیین مشترکند. سقانهفارها با تمامی ارزش‌های مذهبی و بومی به صورت کالبدی و فراکالبدی، مهجور و مظلوم مانده است. این گونه معماری مذهبی و بومی که بخشی از تاریخ فرهنگ و هنر و مذهب این مرز و بوم را به دوش می‌کشد، عملاً در گمنامی به سر می‌برد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Nofar / Anapara.۲ / Nefar.۳ / Nepar.۴

۵. کاربری اصلی نفاها در همه گونه‌های آن در حال حاضر نیز با کمی اغماض، نگهبانی و نگهداری است.

۶. همان ساقی‌فار است که در گویش محلی برخی مناطق شکسته شده است.

۷. sagha nefar

۸. sagh nefar

فهرست منابع

- آلیاگونوولو، آدریانو. ۱۳۸۴. معماری بومی. ت: علیمحمد سادات افسری، تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.
- بزرگ‌نیا، زهره. ۱۳۸۲. معماری و روابط فرهنگی ایران و چین. مجله معمار، (۲۱): ۹۹-۹۰.
- پیرزاد، احمد. ۱۳۸۷. پایان‌نامه کارشناسی ارشد طرح حفاظت و ساماندهی سقائفارهای شیاده بابل. استاد راهنما: دکتر غلامحسین معماریان، دانشگاه هنر اصفهان.
- جوادی، شهره. ۱۳۸۶. اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت. مجله باغ نظر (۸): ۲۱-۱۲.
- جوادی، شهره. ۱۳۸۸. مکان‌های مقدس مازندران. مجله منظر (۲): ۲۳-۲۰.
- رامپوری، محمد غیاث الدین. ۱۳۶۳. غیاث‌الغات. تهران: امیرکبیر.
- رحیم‌زاده، معصومه. ۱۳۷۳. سقائفار، نوعی معماری آئینی. مجله میراث جاویدان.
- رفیعی سرشکی، بیژن. ۱۳۸۳. فرهنگ مهرازی. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- عالیخانی، بابک. ۱۳۸۴. مهر در ایران و باستان. تهران: ققنوس.
- عمید، حسن. ۱۳۶۴. فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- کولائیان، درویش علی. ۱۳۸۵. گویش مازندرانی، تاریخی مستند. مجله بارفروش، (۶۴): ۲۹-۲۳.
- گروه مؤلفان. ۱۳۷۹. بابل شهر بهار نارنج. تهران: چشمه.
- نصری اشرفی، جهانگیر. ۱۳۸۵. فرهنگ واژگان طبری. تهران: احیا کتاب.
- وفایی، شهربانو. ۱۳۸۱. سیمای میراث فرهنگی مازندران. تهران: سازمان میراث فرهنگی مازندران.
- وولف، هانس. ۱۳۷۲. صنایع دستی کهن ایران. ت: سیروس ابراهیم‌زاده. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- یزدان‌پناه لموکی، طیار. ۱۳۸۵. تاریخ مازندران باستان. تهران: چشمه.
- یوسف‌نیا پاشا، وحید. ۱۳۸۵. فضاهای نال و ستون‌دار در معماری مازندران. مجله آبادی (۵۰): ۹۷-۸۷.

Reference list

- Alpogono, A. (1995). *Native architecture*. Translated to farsi by Afsari, S. Tehran: Moasase elmi va farhangi Faza.
- Bozorgnia, Z. (1993). *Memari va ravabet-e farhangie Iran va Chin* [Architect and culture relate between Iran and China]. *Journal of Memar*. 21: 90-99.
- Pirzad, A. (1998). *Tarh-e hefazat va samandehi-e saqanefarhay-e shyadey-e Babol* [A project of protection and organization of Shyade Saghanefar]. Unpublished M.S thesis. Isfahan: Art of university.
- Javadi, Sh. (1997). *Amaken-e moqadas dar ertebat ba tabiat* [Locations About holy nature]. *Bagh-I-Nazar*. 8:12-21.
- Javadi, Sh. (1999). *Makanhay-e moqadas-e mazandaran* [Holy nature locations]. *Manzar*.2: 20-23.
- Rampori, M. (1984). *Ghias -al loqhat* [Ghias languages]. Tehran: Amir Kabir publication.
- Rahimzade, M. (1993). Saghanefar, noe memari-e aeeni ["Saghanefar" a kind of traditional architectural]. *Miras Javdan journal*, 5: 132-136.
- Rafiee sereshki, B. (2004). *Farhange Mehrazi* [encyclopedia of architecture]. Tehran: Markaze tahghighate sakhteman va maskan.
- Alikhani, B. (2005). *Mehr dar Iran bastan* [Ancient Iranian Mehr]. Tehran: Ghoghnos.
- Amid, H. (1986). *Farhang-e Farsi Amid* [encyclopedia]. Tehran: Amir Kabir
- Kolaieian, d. (1996). *Goyesh Mazandaran ,tarikhi mostanad* [Dialect of Mazandaran, A historical documentary]. *Barforosh*. 64: 23-29.
- Nasri Ashrafi, J. (1996). *Farhang Vajegan Tabari* [Tabari dictionary]. Tehran: Ehya ketab.
- Vafae, S. (2002). *Symaie miras farhangi Mazandaran* [Mazandaran culture heritage]. Tehran : Sazman miras farhangi mazandaran.
- Yazdanpanah lamoki, T. (1996). *Tarikh-e Mazandaran bastan* [ancient Mazandaran history]. Tehran : Cheshmeh
- Yosefnia pasha, V. (1996). *Fazahay-e nal va sotundar dar memari-e mazandaran* [Nal and Sotondar space in Mazandaran architect]. *Abadi*. 50: 87-97.
- Wolf, H. (1983). *Sanaye dasti kohan Iran* [ancient craft in Iran]. Translated to farsi by Ebrahimzade, S. Tehran: Amozesh enghelab eslami.

Transformation Process of "Nefar" in Vernacular Architecture of Mazandaran

Zahra Rafiee*

Abstract

In north of Iran, a style of architecture has formed over time which is specific to the culture and the weather conditions of that region. This style of architecture is the result of the extrovert nature of the locals and is deeply rooted in Islam as well as the Persian civilization. Sagha nefar is a type of Nefar which takes its name from Hazrat Abolfazl, the half-brother of the Imam of Shia faith – Imam Hossein – both martyred at the hands of Omavid Caliph Yazid along with their companions in the battle of Karbala back in 680 AD.

The current article deals with the history of Nefars and their development into Sagha nefar in Mazandaran over the years. It will also bring into the spotlight the religious beliefs of the people of Mazandaran, particularly the rituals related to Moharram mourning period, and their role in designing the architecture of Sagha nefars.

This style of architecture was developed by villagers who have tried to preserve it so far. Nefar is in fact completely indigenous to Iran's Mazandaran Province and it is the only style of architecture which has been developed to pay tribute to one single religious figure i.e. Hazrat Abolfazl. It has been for the purpose of preserving the religious values attributed to the Day of Ashura – when Imam Hossein and his companions were martyred in the battle of Karbala – that Nefars have been constructed in Mazandaran.

The hypothesis of the article is that Sagha nefars comprise an important part of the history of the Persian architecture that have been kept out of academic spotlight as the result of a lack of related researchers. The present article tries to study this style of structures and dig into the roots of their architectural designs. It is expected that the findings of this research will help highlight the indigenous characteristics of Mazandaran inhabitants. A further expectation is to use the findings of the research to better preserve these structures against damage.

۶۴/۲۷

Keywords

Nefar, Sagha nefar, Tekkeieh, Imam Hossein, Hazrat Abolfazl, Mazandaran, Native.

.....
*. MA in Architecture and Lecturer at Tabari Higher Education Institute, Babol, Iran.

Rafieezahra@gmail.com